

چیز کیف شدن

اشاره:

از حق اگر نگذریم، غیبت کردن همیشه یک صفای کاذبی دارد که همین مسأله باعث می‌شود آدم‌ها گاه‌گاهی برای غیبت کردن از یک دوست یا آشنا تحریک شوند. اما این لذت کاذب که در حقیقت زائیده القایات شیطانی است، به همین سهولت مهیا نمی‌شود. عوامل مختلفی برای حصول این حس آغشته به گناه باید کنار هم قرار بگیرند تا من و شما را تا وسط آتش جهنم خودساخته‌مان هدایت کنند:

مدیر جلسه: شیطان

کدام گناه را می‌توانید پیدا کنید که شیطان در شکل‌گیری‌اش دخیل نبوده باشد؟! از همان روز اول که ابلیس از جمع فرشتگان مقرب الهی دیپورت شد، تبدیل به دشمن قسم خورده فرزندان آدم شد تا از هر روشی برای گمراهی ما استفاده کند. آن لذت کاذبی هم که در اشاره مطلب عرض شد، القائاتی است که از جانب مدیر جلسه غیبت به ذهن‌مان مخابره می‌شود تا نه تنها متوجه قبح عمل‌مان نشویم، بلکه کلی هم از کاری که انجام می‌دهیم «چیز کیف» باشیم!

ابزار کار: زبان

احادیث و روایات بسیاری در اسلام داریم که متفق القول می‌گویند یکی از سهل‌الوصول‌ترین راه‌هایی که شیطان می‌تواند ما را تا آتش گناه مشایعت کند، افسارگسیختگی زبان خود ما آدم‌هاست! اگر بخواهیم تمام این حرف‌ها را خودمانی‌تر تحویل‌تان بدهیم، باید بگوییم: «خواس‌تان باشد... این زبان فسقلی، اگر مراقبش نباشید تبدیل می‌شود به ور دست شیطان و به ما که صاحبش هستیم خیانتی خواهد کرد آنچنانی!»



آچار بدست‌ها: آدمیزاد غافل!

حساب کنید مدیر جلسه که همیشه حضور دارد، ابزار کار هم که همیشه موجود... حالا چی کم داریم؟ یک نفر آدمیزاد که حکم آچار به دست را داشته باشد. یعنی چی؟ یعنی این که زبان شما جزئی از بدن شماست و اختیارش را دارید. از طرف دیگر، همین زبان شما در مجالس غیبت حکم آچار شیطان را دارد. اما شیطان که نمی‌تواند بدون اراده شما، این آچار غیبت را بکار ببندد. شیطان فقط مخ ما را تربیت می‌کند تا راضی بشویم و زبان چند ده گرمی را تکان داده و برویم در کار آبرو و حیثیت دوستان مان! پس خدای ناکرده در این مواقع، ما می‌شویم آچار به دست‌های شیطان!

بستر مناسب: مجلس مهمانی و اجتماعات چند نفره

تمام سه مورد فوق اگر مهیا شوند، هنوز یک جای کار شیطان برای راه افتادن کارش می‌لنگد و آن هم این که ما نمی‌توانیم تنها تنها غیبت کنیم. اما شیطان بسیار با حوصله است و آنقدر منتظر می‌ماند تا ما را در یک مجلس مهمانی یا محل کار و یا هرگونه اجتماعات چند نفره دیگر، گیر بیندازد. وقتی هم که گیرمان انداخت، به این راحتی‌ها ول کن ماجرا نیست. چون در مجالس چند نفره، حتی اگر ما هم نخواهیم غیبت کنیم، جناب شیطان یک نفر دیگر را شیطانی خواهد کرد که دلش غنچ برود برای بدگویی پشت سر یک آدم بدبخت دیگر!

گوش شنوا: ابزار یدکی!

بند شماره چهار را کامل خواندید؟ وقتی ما نخواهیم غیبت کنیم، پروژۀ مقابله با ابلیس تمام نشده. خیلی وقت‌ها بعضی از ما تصوّر می‌کنیم همین که داریم خودخوری می‌کنیم و بدی شخص غایب را نمی‌گوییم، خیلی آدم خوبی هستیم. اما از این خبرها نیست! آن لحظه که حرف‌های ناجور حضار را در مورد شخص غایب می‌شنویم، باید بدانیم که ما هم شریک جرم گوینده هستیم و در حقیقت گوش ما در این مواقع حکم ابزار یدکی یا آچار زاپاس شیطان را پیدا می‌کند!

یک مقدار چاشنی: دروغ

امان از دست ما آدم‌ها! به همین راحتی خام شیطان می‌شنویم و با یک زبان فسقلی، چند گناه را با هم پیش می‌بریم. یک وقت به خودمان می‌آییم و می‌بینیم غیبتی که پشت سر دوستان راه انداخته‌ایم، نیاز به کمی چاشنی دارد. بنابراین به مقدار دلخواه دروغ و تهمت هم به کار اضافه می‌کنیم و از دست‌پخت مشترکی که با جناب ابلیس آماده کرده‌ایم، چیز کیف می‌شویم!

شما هم کمک کنید!

شما هم فکر کنید چه موارد دیگری برای چنین دست‌پخت جهنمی مورد نیاز است؟ دقت کنید که در بسیاری از موارد به همین سادگی که برایتان نوشتیم و حتی خیلی ساده‌تر از این، جفت پا می‌افتیم توی آتشی که خودمان پها کرده‌ایم...